**مقایسه روند تاریخی و نگاه متعالی به مشارکت برای حفظ محیط زیست**

**چکیده**

در حال حاضر تلاش های جامعه جهانی برای حفظ محیط زیست بر "پیش گیری از روند فزاینده تخریب محیط زیست"، "رعایت حقوق نسل های آینده برای بهره مندی از محیط زیست"، و "مشارکت جهانی برای حفظ محیط زیست" متمرکز است ولی بررسی روند تاریخی تلاش اخیر نشان می دهد که نتوانسته است با موفقیت لازم و کافی همراه باشد. از جمله دلائل آن می تواند تاکید بر صرف بهبود "روابط انسان با محیط" از طریق بکارگیری علم و فناوری باشد که در حال حاضر با "خلق دانش" از طریق مشارکت مردمی بویژه مردم بومی به اوج خود رسیده است. اما این روند تاریخی که طی شش دهه گذشته و طی سه فراز علمی (جامعه شناسانه)، سیاسی (پراگماتیسم) و اجتماعی احترام آمیز (اومانیستی) صورت گرفته است و در مقایسه با نگاه متعالی برای حفظ محیط زیست نشان می دهد که علاوه بر مشارکت مردمی و خلق دانش برای بهبود روابط انسان با محیط در راستای حفظ آن، به طور همزمان سه رابطه دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد که عبارتند از "رابطه انسان با خدا"، "رابطه خدا با طبیعت" و "رابطه انسان با خود و دیگران". در این مقاله، "روند تاریخی مشارکت" و با "نگاه متعالی" به مشارکت برای حفظ محیط زیست تحلیل می گردد و در پایان، توصیه های لازم به نهاد های آموزشی نظیر سازمان ترویج کشاورزی برای چگونگی برخورداری از نگاه متعالی در راستای حفظ محیط زیست ارائه می شود.

**کلید واژه ها**: محیط زیست، مشارکت، متعالی، ترویج کشاورزی.

**مقدمه**

قبل از جنگ دوم جهانی، کشورهای جهان عموما درصدد جنگ و کشورگشایی بودند. اما پس از آن عملا شرایط حاکم بر جهان به طور کلی تغییر کرد. برای مثال، سازمان ملل دهه های50 و 60 میلادی را به عنوان دهه های توسعه معرفی نمود و کشورهای مختلف با اتخاذ رویکرد ها و سیاست های گوناگون که البته عمدتا برگرفته از پارادایم غالب توسعه[[1]](#footnote-1) و نظریه های رشد[[2]](#footnote-2) و نوسازی[[3]](#footnote-3) بودند، فرآیند توسعه برنامه ریزی شده[[4]](#footnote-4) خود را آغاز نمودند. اما حدود دو دهه فعالیت و برنامه ریزی در این زمینه نشان داد عملا بسیاری از اهداف مورد نظر محقق نشده اند. به نحوی که حتی دهه های بعدی، دهه های تردید و بازنگری نامیده شدند. این روند طی سالها و دهه ها نیز ادامه یافت. مفاهیمی نظیر توسعه درون زا[[5]](#footnote-5)، توسعه همه جانبه[[6]](#footnote-6) و توسعه پایدار[[7]](#footnote-7) از جمله مواردی بودند که طی دهه های 70 و 80 میلادی در فرآیند توسعه معرفی شدند. سرانجام مفهوم "توسعه پایدار" به موازات پیشرفت و توسعه جوامع بشری و علی رغم ظهور مشکلات و موانع مختلفی که در اثر فرآیند توسعه به وجود آمده بودند، مطرح گردید (اقتباس از زمانی پور، 1373). اکنون، حدود نیم قرن از ظهور و معرفی این مفهوم می گذرد و در این میان، تلاشهای متنوعی در این راستا صورت گرفته، برای مثال، نشست ها و همایش های گوناگونی برگزار شد یا نظریه ها و مفاهیم مختلفی معرفی شده اند. اما درحال حاضر، کماکان بسیاری از اثرات و پیامدهای سوء فرآیند توسعه به قوت خود باقی است.

در یک دهه اخیر حتی شرایط بغرنج تر شده است و بروز پدیده خشکسالی در سطح جهان، مباحث حادی تحت عنوان تغییرات اقلیم[[8]](#footnote-8) مطرح شده است که باعث گردیده تا برنامه ها، سیاستها، تحقیقات و غیره به آن معطوف گردد. به بیان دیگر، نه تنها آثار و پیامدهای سوء فرآیند توسعه برطرف یا کمتر نشده است، بلکه حتی، مشکلات دیگری اضافه شده است نظیر خشک شدن جنگل ها، قطع درختان و قاچاق چوب، آتش سوزی ها، طغیان آفات و امراض، انواع فرسایش بادی یا آبی، از بین رفتن جنگل ها یا مراتع به دلیل بهره برداری بی رویه، خشکسالی مفرط، بروز طوفان ها، هجوم ریزگرد ها، شوری زمین های زراعی، گسترش بی رویه شهرها به ویژه کلان شهرها و غیره از حادترین این موضوعات هستند که طی سالهای اخیر در سطوح ملی و بین المللی مطرح شده اند.

برای حل یا فائق آمدن بر مسایل و مشکلات فوق، قطعا ایجاد تغییر در رویکرد ها، برنامه ها و سیاست ها ضروری است و به همین دلیل، از طرف محققان و اندیشمندان از یک سو و عاملان توسعه از سوی دیگر برخی تغییرات در رویکردها و سیاستها معرفی و اجرا شده است. یکی از رویکردهای معرفی شده در این زمینه که به ویژه طی چند سال اخیر بسیار مورد توجه بوده است، مشارکت[[9]](#footnote-9) و همکاری هر چه بیشتر مخاطبان در برنامه ها و فعالیتهای توسعه است. به عبارتی، گفته می شود که فرآیند توسعه "از انسان"، "با انسان" و "برای انسان" می باشد و به همین دلیل، در برنامه ها و فعالیتهای توسعه باید از مشارکت و همکاری مردم محلی برای انجام بهتر امور، کمک گرفت. مصداق بارز ظهور ضرورت توجه به مشارکت مخاطبان در برنامه ها و فعالیتهای توسعه را می توان در الگوها، مفاهیم و نظریه هایی که از دهه 70 میلادی ظهور کردند ملاحظه می شوند، که در این میان، دو رویکرد ارزیابی سریع روستایی[[10]](#footnote-10) و ارزیابی مشارکتی روستایی[[11]](#footnote-11) که به ترتیب در اواسط و اواخر دهه مذکور توسط رابرت چمبرز[[12]](#footnote-12) معرفی شدند، به خوبی گویای ضرورت این رویکرد در جهان است. اما نکته مهم، این است که اکنون پس از گذشت چندین دهه، این رویکرد نیز همانند بسیاری از رویکردها و سیاستهایی که طی دهه های اخیر به کار گرفته شده اند، توفیق چندانی به همراه نداشته است.

مقاله حاضر با مرور منابع نظری، سعی دارد تا با مرور سیر تاریخی نظریه ها و مفاهیم مشارکت، دلیل ناکارآمدی آن را تبیین نموده و نهایتا رویکرد مناسبی را برای مشارکت معرفی نماید که به نظر می رسد می تواند در رفع این ناکارآمدی موثر باشد. بر این اساس، اهداف این مطالعه به شرح زیر می باشند:

هدف کلی: شناخت روند تاریخی نظریه ها و مفاهیم مشارکت برای حفظ محیط زیست و مقایسه آن با نگاه متعالی به مشارکت

اهداف ویژه:

* شناخت سیر تاریخی نظریه ها و مفاهیم مشارکت
* نگاه متعالی به مشارکت
* مقایسه سیر تاریخی و نگاه متعالی به مشارکت
* ارایه توصیه های لازم به نهاد های آموزشی نظیر سازمان ترویج کشاورزی برای چگونگی برخورداری از نگاه متعالی به مشارکت در راستای حفظ محیط زیست

**روش تحقیق**

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، روش پژوهش حاضر شامل تحلیل نظری و مرور اسناد ثانویه می باشد. در این زمینه، اسناد و مدارک اعم از کتابها، مقالات و گزارشها در زمینه مفاهیم مورد نظر بررسی و نهایتا و با بهره گیری از مفاهیم و تجربیات موجود، سعی گردید تا یک گزیدار مناسب در زمینه موضوع مورد نظر ارایه گردد.

**یافته ها و بحث**

همانگونه که در قسمت قبل نیز اشاره شد، مبانی و مفاهیم توسعه، طی دهه های گذشته تغییرات بسیاری را به خود دیده است که به اختصار در جدول 1 نمایش داده شده است.

جدول 1: سیر تاریخی مبانی و مفاهیم توسعه طی دهه های گذشته

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | دهه های مربوطه | نظریه غالب | اهداف های اصلی | جایگاه مردم محلی | رهیافت های ترویجی بکاررفته |
| 1 | 50 و 60 میلادی | رشد و نوسازی | رشد اقتصادی، افزایش نقدینگی | مخاطب و پذیرنده | رهیافت عمومی، رهیافت کالا |
| 2 | 70 میلادی | توسعه، توسعه انسانی | رشد اقتصادی به همراه برابری | نیازمند آموزش و تغییر | آموزش و دیدار |
| 3 | 80 میلادی | توسعه همه جانبه، توسعه پایدار | رشد، توسعه، حفظ محیط زیست | مشارکت کننده و فعال | تحقیق و ترویج در نظامهای زراعی، ترویج مشارکتی، تسهیم هزینه، توانمندسازی، خصوصی سازی |

تنظیم: نویسندگان

همانگونه که ملاحظه می گردد، از دهه 1980 میلادی، توجه به مشارکت در برنامه ها و فعالیتهای توسعه از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار شده است. و تأکید بر توسعه مردم‌محور[[13]](#footnote-13) است و اعتقاد آن‌ است که مردم باید محور همه‌ فعالیت‌های توسعه باشند. زیرا مردم نمی‌توانند توسط عوامل خارجی، توسعه یابند بلکه آن‌ها می‌توانند خود را از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری و فعالیت‌های تعاونی که بر بهزیستی آنان موثر است، توسعه دهند. بر این اساس تا زمانی که مردم، بی اختیار به سوی انجام کارهای خاص و حتی جدید هدایت می‌شوند، توسعه نمی‌یابند بلکه باید برای آن‌ها فرصت تفکر، تصمیم‌گیری، تبادل تجربه و به‌طور کلی مشارکت فعالانه فراهم نمود. توسعه‌ی مردم‌محور، توسعه‌ی مشارکتی نیز نامیده می‌شود. در هر صورت، ارزیابی برنامه‌های توسعه حاکی از نیاز جدی به افزایش مشارکت روستاییان در فرآیندهای توسعه است (شعبانعلی‌فمی و همکاران، 1383 به‌نقل از اوکلی و همکاران).

به‌عبارت دیگر، نتایج و تأثیرات راهبردهای تجربه شده‌ی قبلی در توسعه مانند راهبردهای اصلاحی و تکنوکراتیک یا فن‌سالارانه، به لزوم ظهور راهبرد جدید توسعه به نام توسعه مشارکتی منجر شده است. اکثر متفکران و نظریه‌پردازان توسعه نیز بر این عقیده‌اند که بکارگیری رهیافت‌های مشارکتی برای کشورهای درحال توسعه، نه به صورت یک گزیدار بلکه یک ضرورت حتمی است (تامپسون[[14]](#footnote-14)، 1995).

ازکیا و غفاری (1380) به نقل از چمبرز بیان می‌دارند که در دهه‌های 1950 و 1960 "پارادایم اشیاء" بر مباحث توسعه حاکم بود که بر ایجاد زیرساخت‌های بزرگ، صنعتی شدن امور آبیاری تأکید داشت و اقتصاددانان و مهندسان با پارادایم ریاضی و طبیعی از بالا به پائین، قواعد، رویه‌ها و شیوه‌های آبیاری را تعیین می‌کردند. با ورود برخی دانشمندان اجتماعی و نیز کمک برخی آژانس‌های غیردولتی، شاهد انتقال از پارادایم اشیاء به "پارادایم مردم" هستیم که محور توسعه را مردم و به ویژه مردم فقیر قرار می‌دهد. البته در سطح نظری تحول به خوبی رخ داده است ولی در عمل همچنان واقعیت از بالا به پایین، جریان و حاکمیت دارد. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که مشارکت دارای تعاریف و انواع گوناگونی است ولی در یک تقسیم‌بندی کلی سه تعبیر گسترده از مشارکت وجود دارد:

1- مشارکت به‌عنوان همکاری[[15]](#footnote-15): این نوع مشارکت در بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ی جهان سوم دیده می‌شود که روستاییان در اجرای برنامه‌های از قبل طراحی شده همکاری دارند و بدون همکاری مردم محلی انجام بسیاری از این برنامه‌ها غیرممکن یا دشوار است.

2- مشارکت به‌عنوان سازمان[[16]](#footnote-16): در بسیاری از ادبیات توسعه سازمان یک ابزار اساسی برای مشارکت در نظر گرفته می شود. این سازمان‌ها اعم از این که توسط افراد خارج از روستا یا روستاییان تأسیس شده باشند، به مثابه‌ ابزار توسعه مشارکت محلی عمل می‌کنند. برخی نیز معتقدند که فرآیندهای مشارکتی زمینه‌ساز بروز سازمان‌هایی مانند تعاونی یا سازمان کشاورزان است که می‌توانند در توسعه نقش مهمی ایفا نمایند.

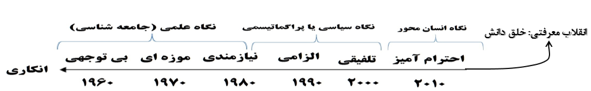
3- مشارکت به‌عنوان توانمندسازی[[17]](#footnote-17): در دهه‌ی اخیر، توانمندسازی روستاییان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. پس از کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه‌ی روستایی در سال 1972 که به انتقال قدرت توجه گردید، واژه‌ «تواناسازی» وارد ادبیات توسعه گردید ولی برداشت‌های گوناگونی از تواناسازی وجود دارد. برخی آن‌را توسعه‌ی مهارت‌ها و توانایی‌های روستاییان برای افزایش قدرت در اداره‌ی بهتر زندگی و گفتگو با سازمان‌های ارائه کننده‌ خدمات توسعه‌ای می‌دانند. برخی دیگر، آن‌را توانمندسازی روستاییان برای اتخاذ تصمیمات و انجام اقداماتی می‌دانند که برای توسعه‌ زندگی آنان ضروری است (شعبانعلی فمی و همکاران، 1383). در همین زمینه، خورسندی (1383)، با توجه به معیارها و جنبه‌های متعدد و متنوع، مفهوم مشارکت را دسته‌بندی نموده است که جدول 2 برخی از این معیارها را نشان می دهد.

جدول 2- دسته بندی انواع مشارکت با معیارهای مختلف

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | معیار دسته‌بندی | نوع مشارکت | ردیف | معیار دسته‌بندی | نوع مشارکت |
| 1 | محدوده‌ی زمانی مشارکت | مستمر، مداوم، مقطعی | 2 | کسب منفعت | خودیاری، همیاری- دگریاری |
| 3 | چگونگی انجام کنش | فکری (ذهنی) - عملی | 4 | جهت‌گیری کنش | حفظ وضع موجود- تغییر وضع موجود |
| 5 | تحرک و فعالیت مشارکت‌کنندگان | مشارکت منفعلانه، فعال، درگیر شدن، سهم داشتن | 6 | گستردگی و گروه شرکت‌کنندگان | مشارکت همگان، مشارکت سنجش |
| 7 | چگونگی عضویت | طبیعی، ارادی، خودبه‌خودی، برانگیخته، تحمیلی | 8 | محدوده‌ی جغرافیایی | محلی، شهری، روستایی |
| 9 | رضایت و تمایل مشارکت‌کنندگان | اجباری (غیرارادی)، داوطلبانه (اختیاری) | 10 | حدود و گستره‌ی دخالت مردم | مشارکت تام (اساسی حقیقی)، مشارکت جزئی (حاشیه‌ای، ضمنی) |
| 11 | موضوع | اقتصادی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، روانی | 12 | انگیزه | درون‌زا، برون‌زا |
| 13 | سطوح اجرایی | روستایی، منطقه‌ای، ملی | 14 | اهداف و انتظارات مشارکت‌کنندگان | مردم‌محوری- تولیدمحوری |
| 15 | نظری | دولت‌محور- جامعه‌محور | - | - | - |

منبع: خورسندی (1383).

همانگونه که ملاحظه می گردد، صرفنظر از این نوع بررسی موضوع مشارکت، به نظر می رسد چگونگی پرداختن به این موضوع نیز طی دهه های گذشته تغییراتی را به خود دیده است. این تغییرات به اختصار در شکل 1 نمایش داده شده است. به نظر می رسد علل ناکارآمدی برنامه ها و فعالیتهای مشارکتی یا حداقل، تحلیل بازدارنده های موفقیت این رویکرد را می توان از الگوی زیر مورد بررسی قرار داد.



شکل 1: سیر تکاملی نگاه به مشارکت و چگونگی پرداختن به آن طی دهه های گذشته (شاه‌ولی و حاج حسنی، 1395)

همانگونه که شکل 1 نشان می دهد و در بالا نیز به آن اشاره شد، پرداختن به موضوع مشارکت در برنامه ها و فعالیتهای توسعه، یک دوره تکاملی را به شرح زیر طی نموده است:

1. دوره نگاه علمی (جامعه شناختی): در این دوره که از اواخر دهه 1960 تا اواسط دهه 1980 میلادی به طول انجامید، ضرورت پرداختن به موضوع مشارکت توسط اندیشمندان و محققان مختلف به ویژه جامعه شناسان مورد توجه قرار گرفت. مبنای این توجه نیز صرف تحلیل های علمی و ضرورتهای زمان مربوطه از جمله بروز آثار و پیامدهای سوء برنامه های توسعه بود که در بالا به تفصیل بحث گردید. توجه به موضوع مشارکت در این دوره، خود سه فراز را به شرح زیر طی نمود:

1-1- دوره بی توجهی: در ابتدای دوره و پیش از ظهور بحرانهای ناشی از فرآیند توسعه، موضوع مشارکت چندان مورد توجه نبود. برنامه ها و سیاستهای توسعه از طرف عاملان یا سازمانهای مربوطه تهیه و اجرا می شد و به مردم محلی، دانش، بینش و عقاید آنها چندان توجه نمی گردید.

1-2- دوره نگاه موزه ای: این دوره را می توان ابتدای لزوم مشارکت در فرآیند توسعه دانست. در این دوره اصل مشارکت، ضرورت و اهمیت آن مورد توجه قرار گرفت. اما این توجه فقط حالت موزه ای داشت. مشارکت به عنوان یک نوآوری، یک ایده نو یا شاید یک کالای لوکس تلقی می گردید ولی در عمل، چندان مد نظر قرار نداشت. به عبارت دیگر، توجه به آن در حد طرح مفاهیم و نظریه پردازی بود. مفاهیمی نظیر ارزیابی سریع روستایی در این دوره مطرح شدند و مشارکت مخاطبان در برنامه ها و فعالیتها، به صورت منفعلانه مد نظر بود.

1-3- دوره نگاه نیازمندانه: به دنبال عدم توفیق رویکردهای مشارکتی معرفی شده در دوره قبل و همچنین، بحرانی شدن برخی آثار و نتایج برنامه های توسعه، در این دوره نگاه جدی تر نسبت به ضرورت مشارکت صورت گرفت. در این راستا، به مشارکت واقعی مخاطبان برنامه ها، توجه بیشتری معطوف گردید. ظهور مفاهیمی نظیر ارزیابی مشارکتی روستایی به جای ارزیابی سریع روستایی و به ویژه برگزاری نشستهای جهانی نظیر کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (برنتلند[[18]](#footnote-18)) و معرفی مفهوم جدیدی در ادبیات توسعه به نام توسعه پایدار[[19]](#footnote-19)، همگی موید این ضرورت می باشند. در زمینه ترویج کشاورزی نیز رهیافت هایی نظیر تحقیق و ترویج در نظامهای زراعی[[20]](#footnote-20) معرفی شدند.

1. دوره نگاه سیاسی (پراگماتیسمی): در این دوره که حدود اواسط دهه 1980 تا اواسط دهه 2010 میلادی یعنی حدود دو دهه به طول انجامید، با گذشت زمان، مشارکت جدی تر کانون توجه بود و بعلاوه، در سطح بین المللی مطرح گردید. نشست ها و همایش های محلی و بین المللی در این زمینه برگزار گردید و مفاهیم جدیدی در فرآیند توسعه از جمله توجه به "دانش بومی[[21]](#footnote-21)" مخاطبان در برنامه ها و سیاستها مطرح گردید. این دوره خود به دو فراز به شرح زیر تقسیم بندی می شود:

2-1- دوره توجه الزام آمیز: این دوره را شاید بتوان دوران اوج توجه به موضوع مشارکت نامید. اهمیت و ضرورت توجه به مخاطبان و مشارکت و دانش بومی آنها باعث اقدامات مختلفی در این دوره گردید که برخی از مهمترین آنها، معرفی شاخص توسعه منابع انسانی[[22]](#footnote-22) توسط سازمان ملل متحد در سال 1990، نامگذاری سال 1993 به عنوان سال مردم بومی جهان، برگزاری کنفرانس بین المللی توسعه انسانی پایدار به کمک دانش بومی توسط سازمان ملل متحد و امضای توافق نامه بین المللی تنوع زیستی و آغاز تلاشهای بین المللی برای شناخت دانش بومی در همین سال می باشد.

2-2- دوره نگاه تلفیقی: در این دوره دو موضوع اصلی کانون توجه بود: نخست، این که توجه صرف به توسعه و پیشرفت علمی در زمینه های مختلف سبب بروز پیامدها، مشکلات، بحرانها و مسایل عدیده ای شده است، اما نکته دوم حایز اهمیت این بود که کنار گذاردن دیدگاه اول (توسعه و پیشرفت علمی) و توجه صرف به دانش بومی و محلی مخاطبان برنامه ها، ممکن است عملا توفیق و تغییر چندانی به همراه نداشته باشد. لذا از این زمان ضرورت تلفیق[[23]](#footnote-23) دانش بومی و رسمی در فرآیند توسعه مطرح گردید. برای مثال، صدور بیانیه جهانی تنوع فرهنگی در سال 2005 و تاکید بر ضرورت تلفیق دانش بومی و رسمی در متن بیانیه مذکور از این قبیل می باشد.

1. دوره نگاه انسان محور یا اومانیستی[[24]](#footnote-24): همانگونه که ملاحظه گردید، طی دهه های گذشته، تغییر و تحولات زیادی در توجه به موضوع مشارکت در فرآیند توسعه رخ داد. اما شاید بتوان گفت که وجه مشترک تمامی تعاریف و مفاهیم فوق، این است که مشارکت در حد" نظریه پردازی و مفهوم سازی" مد نظر بوده و اگر به شکل عملی نیز به آن توجه ای شده است در سطح بسیار محدودی بوده است. در سالهای اخیر مجددا انسان محوری فرآیند توسعه مد نظر قرار گرفته است. البته این انسان محوری و اولویت انسان در فرآیند توسعه به این معنا نیست که موجودات دیگر کمتر باید مورد توجه قرار گیرند و کل فرآیند توسعه باید در خدمت انسان ها باشد. بلکه انسان محوری فرآیند توسعه در حقیقت به نقش و اهمیت انسانها به عنوان کنشگر اصلی در این فرآیند توجه می نماید و معتقد است در این راستا باید انسانها مورد توجه و اهمیت بیشتری قرار گیرند. در همین راستا، پارادایم نوین زیست بوم[[25]](#footnote-25) جانشین پارادایم نوین زیست محیطی[[26]](#footnote-26) می شود که بجای توجه صرف به حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، زیست بوم[[27]](#footnote-27) را به عنوان یک کل در نظر می گیرد و بر حفظ کل آن تاکید دارد که محیط زیست و منابع طبیعی را یک بخش از آن می داند (دانلپ[[28]](#footnote-28) و همکاران، 2000).

3-1- دوره نگاه احترام آمیز: در این دوره که می توان آن را دوره نگاه متعالی برای حفظ محیط زیست نامید، بر این تاکید دارد که علاوه بر مشارکت مردمی و خلق دانش برای بهبود روابط انسان با محیط در راستای حفظ آن، به طور همزمان سه رابطه دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد که عبارتند از "رابطه انسان با خدا"، "رابطه خدا با طبیعت" و "رابطه انسان با خود و دیگران". به عبارت دیگر، نظریه ها و مفاهیم مطرح شده در دوره های گذشته، صرفنظر از تفاوت هایی که با یکدیگر دارند، دارای یک ویژگی مشترک هستند که آن هم صرف توجه به "رابطه بین انسان و طبیعت" می باشد. اما در مقاله حاضر، به این موضوع پرداخته می شود که توجه واقعی به طبیعت و حفظ محیط زیست به این نوع رابطه محدود نمی شود و همانگونه که اشاره شد، روابط دیگری را نیز در بر می گیرد. این نگاه متعالی و روابط مذکور، در ادامه معرفی می گردند.

الف) رابطه انسان با طبیعت: زندگی انسان وابسته به طبیعت است. انسان هم بر طبیعت تاثیر می گذارد و هم از آن تاثیر می پذیرد. انسانها ضمن این که از دیرباز برای تامین غذا و مایحتاج خود به طبیعت پیرامون رو می آورده اند، به ویژه در سالهای اخیر، برای تفریح، سرگرمی و ایجاد نشاط ذهنی و جسمی نیز به طبیعت رو می آورند. طبیعت می تواند سه کارکرد اصلی برای انسان ها به همراه داشته باشد:

* شکل گیری شخصیت انسان
* امرار معاش و زنده ماندن (رستمی، 1386)
* کاهش استرس و اندوه و کسب آرامش (Keniger *et al*., 2013).
* بدیهی است با وجود اهمیت و کارکردهای طبیعت برای انسانها، لازم است انسانها در رفتار خود نسبت به طبیعت بازنگری نمایند و از آسیب و تخریب آن امتناع ورزند.

ب) رابطه انسان با خود و دیگران (سایر انسانها و موجودات): در رابطه انسانها با یکدیگر و سایر موجودات، توجه به نکات زیر، ضروری است:

* خودشناسی: انسان بر اساس فطرت الهی با دیگران همکاری می‏کند و حقوق آنها را محترم می‏شمارد. لذا، مدنیّت فطری او، هیچ‏گاه با غارت منابع طبیعی و آلودن طبیعت و تجاوز به حقوق دیگران سازگار نیست (جوادی آملی، 1386).
* احترام به حقوق حیوانات: هر حیوانی، در اختیار انسان باشد یا نباشد و فایده برساند یا نرساند، اگر در تغذیه، حفظ و نگهداری، نیازمند او باشد، به حکم وظیفه شرعی و انسانی، باید نیازهای آن حیوان را تأمین نماید (جوادی آملی، 1390).
* آموزه‏های اسلامی و حق تصرف انسان در طبیعت: بر اساس آموزه های دینی، انسانها فقط در حد کفاف، و یا رعایت حدود الهی، حفظ حقوق آیندگان و عمران و آبادی زمین حق تصرف و تغییر در طبیعت را دارند. استفاده بیش از حد از طبیعت، مصداق بارز اسراف است که در آموزه های دینی به شدت نکوهش شده است (ابراهیمی و فاضلی، 1394).

رابطه انسانها با یکدیگر و همچنین رابطه آنها با دیگر موجودات زنده یا حیوانات (به عنوان بخشی از طبیعت) از جمله روابطی هستند که در زندگی انسان ها بسیار مهم و تاثیر گذار می باشند و برقراری آنها به نحو صحیح می تواند در موفقیت و توسعه انسانی گام مهم و موثری ایفا نماید.

ج) رابطه انسان با خدا: خداوند متعال، خالق تمامی جهان هستی اعم از انسانها، حیوانات، گیاهان و به طور کلی هر موجود زنده و غیر زنده می باشد. خداوند، از طریق کتب آسمانی پیامبران یا فرستادگان خود تعالیم مختلفی را برای نجات و رستگاری انسانها معرفی نموده است. قطعا شناخت این تعالیم و اجرای آنها در زندگی هر شخص لازم است. در زمینه رابطه انسان با خدا موارد زیر باید قابل توجه باشند:

* خلقت انسان: خدا حق است و همه‏ موجودات به حق آفریده شده‏اند و هدف از خلقت انسان، عبادت خدا و به معنای پیمودن صراط مستقیم از جمله بهره‏‎‎گیری از روزی پاک و حلال و شکر نعمت‏های الهی است (جوادی آملی، 1391).
* حوادث عالم و اعمال انسان‏ها: حوادث عالم تا اندازه‎ای تابع اعمال انسان‏هاست (همان).
* برخورداری از نعمت و شکر آن: خداوند با تأکیدی مضاعف، فاعل افزودن را خود معرفی کرده است ولی، فزونی را به خود بندگان نسبت داده است (علی پور، 1386).

طبعا علم و دانش بشری انسانها با علم الهی به عنوان خالق یا پروردگار، قابل مقایسه نیست و زمانی که خداوند متعال انسانها را خلق نموده و برای نجات و رستگاری آنها تعالیمی را هم ارایه داده است، عمل به این قوانین یا تعالیم الهی، می تواند سعادت و رستگاری بشر را نیز به دنبال داشته باشد.

د) رابطه خدا با طبیعت: از دیدگاه الهی، طبیعت و کاینات آن چنان ارزش و جایگاهی دارند که در بسیاری آیات و روایات، خداوند، انسان را به مشاهده و تعمق در طبیعت دعوت نموده است. برای مثال، خداوند در آیه 20 سوره عنکبوت می فرماید: "بگو در زمين بگرديد و بنگريد چگونه آفرينش را آغاز كرده است‏ سپس باز خداست كه نشان آخرت را پديد مى ‏آورد و خداست كه بر هر چيزى تواناست[[29]](#footnote-29). در زمینه رابطه خدا با طبیعت نیز برخی نکات را می توان برشمرد:

* اثبات خالق متعال: تدبّر و تفکّر در طبیعت و هر یک از اجزای آن است که عظمت الهی را نمایان ساخته و انگیزه ‏مضاعفی برای شکرگذاری و حق‏شناسی در انسان به وجود می آورد (رستمی، 1386).
* نشان دادن عظمت و قدرت خداوند: فرمانروایی آسمان ها و زمین و هر چه بین آن هاست از آن خداست. خدا هر آنچه می خواهد، می آفریند (همان).
* تقدس طبیعت: به دلیل این که طبیعت، نشانه خداست، تقدّس دارد و راهنمای انسان به جمال و کمال مطلق است و کسی حق ندارد جمال و جلال الهی را نابود کند (شاه مراد به نقل از رحمانی، 1390).

با تعمق در روابط فوق، مشخص می گردد که در توصیه های فنی و کارشناسی حفظ طبیعت و محیط زیست، رابطه انسان با طبیعت مد نظر قرار می گیرد. اما در نگاه متعالی که در این مقاله معرفی می گردد، این نکته مورد تاکید می باشد که علاوه بر این رابطه، روابط دیگری نیز اهمیت دارند که توجه به آنها می تواند در پایداری محیط زیست گره گشا باشد، زیرا پس از چندین دهه، فعالیتها و برنامه های مختلف اجرا شده حفظ محیط زیست چندان کارساز نبوده اند. بنابراین، تغییر یا اصلاح رویکردها، برنامه ها و فعالیتها، ضروری به نظر می رسد.

**نتیجه گیری و پیشنهادها**

همانگونه که اشاره گردید، در این مقاله، سعی شده است که یک نگاه متعالی به محیط زیست و برای پایداری آن ارایه گردد. در این نگاه، به این موضوع توجه می شود که علاوه بر مشارکت مردمی و خلق دانش برای بهبود روابط انسان با محیط در راستای حفظ آن، به طور همزمان سه رابطه دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد که عبارتند از "رابطه انسان با خدا"، "رابطه خدا با طبیعت" و "رابطه انسان با خود و دیگران".

نکته حایز اهمیت، این است که این روابط اثر تعاملی دارند. برای مثال، اگر شخصی در رابطه خود با خدا به طرز صحیح عمل نماید، بر دیگر ابعاد زندگی وی از جمله روابط وی با دیگران و با طبیعت نیز تاثیر خواهد گذارد. شاید بتوان رابطه انسان با خدا را به عنوان منبع لایزال هستی و به عنوان چتری دانست که دیگر روابط را نیز در بر می گیرد. به عبارت دیگر، در زمینه رابطه انسان با خدا، بر هم خوردن تعادل و خروج آن از مسیر صحیح، باعث بروز بسیاری از مشکلات و گرفتاریهای نسل حاضر از جمله تخریب محیط زیست و طبیعت شده است. خداوند متعال در سوره روم، آیه 41 می فرماید: " فساد در خشكى و دريا به خاطر كارهائى كه مردم انجام داده اند آشكار شده است. خدا مى خواهد نتایج كارهاى مردم را به آنها نشان دهد و نتيجه بعضى از اعمالى را كه انجام داده اند به آنها بچشاند، شايد بيدار شوند، و به سوى حق بازگردند[[30]](#footnote-30)". البته برخی افراد، شان نزول این آیه را اتفاقات خاصی در زمان پیامبر (ص) می دانند. اما ضمن این که چنین احتمالی را نمی توان رد نمود، توجه به این نکته نیز ضروری است که تعالیم الهی و قرآنی با داشتن منبع الهی، حتی اگر در زمینه اتفاقات یا حوادث خاص نازل شده باشند، مصادیق مشابه را در هر مکان یا زمان دیگر نیز شامل می شوند. برای مثال، در همین راستا، در حديثى از امام صادق (عليه السلام ) نقل است که: "زندگى موجودات دريا به وسيله باران است. هنگامى كه باران نبارد، هم خشكيها به فساد كشيده مى شود و هم درياها، و اين هنگامى است كه گناهان فزونى گيرد[[31]](#footnote-31) (تبیان، 1395).

نکته دیگر، این است که در انتهای آیه سوره روم، آیه 41 تکلیف انسانها مشخص شده است. عبارت "شاید بیدار شوند و به سوی حق بازگردند"، به خوبی نشان می دهد که اگر در نظر باشد بر بسیاری از مشکلات، نابسامانی ها و معضلات دنیای مدرن از جمله تخریب طبیعت و محیط زیست فایق آییم، شاید به جرات بتوان گفت که گام نخست، برگشت به خدا و اصلاح رابطه انسانها با او است. این برگشت، ضمن این که در اصلاح دیگر روابط نیز تاثیر دارد، با سرلوحه قرار دادن تعالیم الهی در زمینه چگونگی روابط از جمله با یکدیگر و با طبیعت، می تواند در بهبود وضعیت محیط زیست و تحقق توسعه پایدار، نقش اساسی ایفا نماید. بر این اساس، به نظر می رسد برخی توصیه ها به شرح زیر می تواند در موفقیت بهتر رویکرد های مشارکتی برای حفظ محیط زیست با رویکرد متعالی موثر باشد:

* در برنامه های ترویج و توسعه کشاورزی، رویکردهایی از قبیل ارزش‌ها و آموزه‌هاي ديني نیز مد نظر قرار گیرند. برای مثال، ارزش ذاتي قائل شدن براي طبيعت به دليل منشأ گرفتن از ذات اقدس الهي و مسئوليّت‌مداري آن‌ها در قبال طبيعت آموزش داده ‌شود که باعث تقویت روحیه مسئوليّت‌پذيري مخاطبان (مردم محلی) خواهد شد.
* سخنرانانان مذهبي می توانند در کنار ارشاد دینی، اهیمت و ضرورت حفظ منابع طیعی و محیط زیست را نیز بگنجانند و با روش‌هاي اقناعی و ترغیبی نگرش مخاطبان سازمان ترویج کشاورزی را در راستای ضرورت پارادايم متعالي تغيير داد و به آنها آموخت كه طبيعت را همانند خانه خود حفظ نمود.
* براي درك جامع واقعيّت بحران های محیط زیست، تحقيقات كشاورزي به روش‌هاي دستوري مبتني بر ديدگاه كارشناسان بسنده نكرده و مشاركت ذي‌نفعان را در پژوهش به حداكثر ‌رسانَد. به همين دليل، روش‌های‌ متنوّع علمي، تعاملي، مشاركتي، مسئله‌گشايي گروهي، ديالكتيك و هرمنوتيك باید مورد توجّه قرار ‌گيرند.
* تمهيدات سازمان ترويج کشاورزی بر اساس تجربه و مشاهده بيرونی، تجربه شخصي و دروني توليدكنندگان و نه فقط تجربيات محقّقان و مروّجان در امر توليد و حفاظت از طبیعت مبتني شود. لذا، محك قضاوت پيرامون اثربخشي تمهيدات ترويجي بر تفاسير مبتني بر برهان و استدلال عقلي، مكاشفات دروني و شارع اسلام استوار خواهد بود. از نظر ارزش‌شناسي نيز، همگام شدن ارزش‌هاي انسان‌محور و محيط‌زيست‌‌محور در طول ارزش‌هاي توحيدي براي آزادي و رهايي‌بخشي انسان به منظور تقرّب به خداوند نیز در اولويّت قرار مي‌گيرند.
* هدايت و يادآوري کشاورزان به آموزه‌هاي اسلامی نظير: "اعتقاد به مالكيّت مطلق خدا"، "پرهيز از اسراف"، "دوري از آزمندي"، "رعايت اصل كفاف"، "قناعت‌پذيري"، "توجه كافي به انفاق"، "پرداخت وجوه شرعي مانند خمس و زكات"، "بهره‌گيري صحیح از مواهب الهي"، "توجه به رابطه ايمان و تقوي با بهتر زيستن در این دنيا"، "امانتداری انسان و نه مالك طبيعت"، "خودشناسي و شناخت ماهيّت واقعي انسان و منابع طبيعت"، "ارزش ذاتي- معنوي قائل شدن برای طبيعت"، "مسئوليت‌پذيري و احترام به طبيعت"، "خوديادآوري و تذكّر"، "يادآوري روز قيامت"، "دوستي و اُخوّت با طبيعت"، "شناخت قرآن به عنوان حجّت"، "توجّه به ايمان همراه با عمل"، "عاقبت‌انديشي"، "توجّه مستمر به قوّه قهري الهي" و "تسرّي اعتقاد به حيات جاودان".

**فهرست منابع**

ازکیا، م. و غ. ر. غفاری. (1380). بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه‌ی علوم اجتماعی، 17: 31-3.

ابراهیمی، ا. فاضلی، م. (1394). "تحلیلی بر سلامت زیست محیطی از منظر اخلاق فردی و اجتماعی (قرآن

و حدیث)". اولین همایش ملی پژوهش های کاربردی در نگهداری محیط زیست، آب و منابع طبیعی.

انجمن علمي اسلام و توسعه اقتصادي، (1382). جايگاه مباني و ارزش‌هاي ديني در برنامه‌هاي توسعه. همايش چالش‌ها و چشم‌اندازهاي توسعه ايران، مؤسسه عالي آموزش و پژوهش مديريت و برنامه‌ريزي، تهران

تبیان. (1395). قرآن آنلاین: ترجمه و تفسیر آیه 41 سوره روم. قابل دسترس: http://zekr.tebyan.net/newindex.aspx?pid=266882#TabIndex=2&SourehID=30&Aye=41&PageID=408

جوادی آملی، ع. (1386). "اسلام و محیط زیست". قم، مرکز نشر اسراء، صص 15-286.

جوادی آملی، ع. (1390). "مفاتیح الحیاه". چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، صص 694.

جوادی آملی، ع. (1391). "بهره وری از روزی حلال و شکر نعمت های خدا". مجله پاسدار اسلام، سال 32،

شماره374، صص4-5.

خورسندی، ج. (1383). بررسی عوامل مؤثر بر ميزان مشارکت روستایيان در عمران روستايی شهرستان کرمانشاه (بخش سرفيروزآباد). پايان نامه‌ی كارشناسي ارشد. دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده‌ی کشاورزی، مدیریت توسعه‌ی روستايي. 111صفحه.

رستمی، م. ح. (1386). "سیمای طبیعت در قرآن". قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ 2، صص 44-90.

زمانی پور، ا. (1373). ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. 335 صفحه.

شاه مراد، ل. (1390). "بررسی چگونگی فکر و رفتار زیست محیطی بین اعضای هیئت علمی دانشجویان و کارشناسان کشاورزی و منابع طبیعی شهرستان میمند". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، صص 46 – 77.

شاه‌ولي، م.، و عابدي­سروستاني، ا. (1384). تحقّق رويكردهاي جهاني آتي ترويج كشاورزي با كمك نظريّه مديريتي سازمان‌هاي فراگير. روستا و توسعه، سال 8، شماره 4، صص 145-113.

شاه ولی، . و م. حاج حسنی، (1395)، راهبرد متعالی تلقیق دانش بومی و رسمی در دانشگاه ها، کنگره ملی آموزش عالی ایران، 1395، لوح فشرده مجموعه مقالات، مقاله شماره a-10-99-1. ، تهران، دانشگاه تربیت مدرس. 1395.

شعبانعلی‌فمی، ح.، ا.ح. علی‌بیگی و ا. ق. شریف‌زاده. (1383). رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه‌ی روستایی، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی توسعه‌ی روستایی ایران، چاپ اول، 458 صفحه.

علی پور سعدآبادی، س. (1386). "نعمت و ابعاد آن از دیدگاه آیات و روایات". مجله رشد، دوره 4، شماره 16،

صص53-57.

Dunlap. R. E., K. D. Liere., A. G. Merting., and R. E. Jones. (2000). Measuring endorsement of the new ecological paradigm A revised NEP scale- statically data included. Journal of Social Issues, 6: 425-442.

Keniger, L. E., Gaston, K. J., Irvine, K. N., & Fuller, R. A. (2013). What are the Benefits of Interacting with Nature? International Journal of Environmental Research and Public Health, 10(3), 913-935. ‏

Shahvali, M. (1994). Component analysis of farmer and grazier decisions and attitudes in two local government Shires of New South Wales Australia. Dissertation of Doctoral of philosophy. The University of New south Wales.

Thompson, J. (1995). Participatory approach in government bureaucracies: facilitating the process of institutional change. World Development, 23:1521-554

1. Dominant Paradigm of Development [↑](#footnote-ref-1)
2. Growth [↑](#footnote-ref-2)
3. Modernization [↑](#footnote-ref-3)
4. Planned Development [↑](#footnote-ref-4)
5. Self- reliant development [↑](#footnote-ref-5)
6. Holistic Development [↑](#footnote-ref-6)
7. Sustainable Development [↑](#footnote-ref-7)
8. Climate Change [↑](#footnote-ref-8)
9. Participation [↑](#footnote-ref-9)
10. Rapid Rural Appraisal (RRA) [↑](#footnote-ref-10)
11. Participatory Rural Appraisal (PRA) [↑](#footnote-ref-11)
12. Robert Chambers [↑](#footnote-ref-12)
13. . People centered [↑](#footnote-ref-13)
14. . Thompson [↑](#footnote-ref-14)
15. . Participation as contribution [↑](#footnote-ref-15)
16. . Participation as organization [↑](#footnote-ref-16)
17. . Participation as empowering [↑](#footnote-ref-17)
18. Burnt land [↑](#footnote-ref-18)
19. Sustainable Development [↑](#footnote-ref-19)
20. Farming Systems Research and Extension (FSR&E) [↑](#footnote-ref-20)
21. Indigenous Knowledge [↑](#footnote-ref-21)
22. Human Resources Development (HDI) Index [↑](#footnote-ref-22)
23. Integration [↑](#footnote-ref-23)
24. Humanistic [↑](#footnote-ref-24)
25. New Ecological Paradigm (NECP) [↑](#footnote-ref-25)
26. New Environmental Paradigm (NEP) [↑](#footnote-ref-26)
27. Ecology [↑](#footnote-ref-27)
28. Dunlap [↑](#footnote-ref-28)
29. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [↑](#footnote-ref-29)
30. ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِى ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ ٱلَّذِى عَمِلُوا۟ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ [↑](#footnote-ref-30)
31. حَیاتُ دَوابِّ الْبَحْرِ بِالْمَطَرِ فَاِذا کَفَّ الْمَطَرُ ظَهَرَ الْفَسادُ فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَ ذلِکَ اِذا کَثُرَتِ الذُّنُوبُ وَ الْمَعاصِى [↑](#footnote-ref-31)